

عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات

علی صفری آق قلعہ*

ارزش ویژه‌ای در جامعه‌شناسی دارد. از سویی می‌بینیم که عمده آنچه درباره شگفتی‌های باورناپذیر در عجایب‌نامه‌ها درج شده مربوط به سرزمین‌های دورافتاده نسبت به جایگاه نگارش این متون است. چنان که گویی این مطالب از قول بازرگانان و جهانگردان نقل شده و با افزودن شاخ و برگ‌هایی به عجایب‌نامه‌ها راه یافته است. این مطالب برای انسان امروزی باورپذیر نیست، اما نمی‌توان با معیارهای امروزی به داوری آن آثار پرداخت. جالب توجه است که شماری از این گونه شگفتی‌ها را - که گاه ریشه‌ای در واقعیت دارد اما با اغراق بازگو شده - در سفرنامه‌های فرنگیانی که پس از دوره صفوی به سرزمین‌های شرقی پای نهاده‌اند می‌بینیم و این نشان می‌دهد که عجایب‌نگاری در همه ادوار رواج داشته است. حتی در روزگار ما نیز، می‌بینیم که، داستان‌هایی چون مجموعه هری پاتر جزو پرفروش‌ترین داستان‌های دنیاست.

عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات اثر زکریا بن محمد بن محمود کمونی قزوینی در شمار نام‌آورترین متون عجایب‌نگارانه است. از این متن، تحریری به زبان عربی در دست است که نخستین بار به سال ۱۸۴۹ م. به کوشش فردیناند ووستنفلد در گوتینگن چاپ شده است. همچنین ترجمه‌هایی به زبان فارسی از این متن در دست است که از میان آن‌ها نسخه‌هایی از یک تحریر/ترجمه با ویژگی‌های زبانی کهن دیده می‌شود. کهنگی این تحریر/ترجمه چنان است که برخی را بر آن داشته تا این احتمال را مطرح سازند که نگارش این متن نیز بر دست مؤلف به انجام رسیده است. این تحریر فارسی چند بار به صورت سنگی چاپ شده و یک بار هم در سال ۱۳۴۰ ش. به صورت حروفی به کوشش نصرالله سبّوحی (مدیر کتابخانه مرکزی تهران) منتشر شده است. در چاپ سبّوحی از برخی چاپ‌های سنگی پیشین استفاده شده است و تصاویری که در آن درج شده

عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، نگارش زکریا بن محمد بن محمود کمونی قزوینی، به کوشش یوسف بیگ‌باباپور و مسعود غلامیه، قم، انتشارات مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۰ ش.

یکی از گونه‌های نگارشی متون که در میان بسیاری از ملل رواج داشته «عجایب‌نگاری» است. در این گونه متون، معمولاً به یادکرد شگفتی‌های دنیا پرداخته می‌شده است؛ مواردی که دربرگیرنده عجایب گیاهان، جانوران، خواص عجیب برخی کانی‌ها و حتی عجایب معماری شهرها یا طبیعت ویژه برخی از سرزمین‌ها است. البته در کنار این گونه موارد، آگاهی‌های دیگری نیز می‌آورده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را صرفاً جزو عجایب به شمار آورد. برای نمونه در فصولی از این آثار به وضعیت آسمان و اجرام آن (نجوم و گاهشماری) یا ماهیت و خواص داروها (پزشکی و داروشناسی) و نیز وضعیت زمین و سرزمین‌های آن (جغرافیا) و مواردی از این دست می‌پرداخته‌اند. با توجه به قلمرو موضوعی این آثار می‌توان با تسامحی آن‌ها را دانش‌نامه‌هایی در زمینه طبیعت به شمار آورد که البته با آنچه در طبیعت فلسفه ادوار کهن یاد شده دگرگونی‌هایی دارد.

از سویی میزان توجه نویسندگان این آثار به موضوعات یادشده به یک اندازه نبوده است و لذا نمی‌توان همه این متون را با یک معیار سنجید. گاهی جنبه شگفتی‌های مندرج در یک متن بر جنبه‌های دیگرش می‌چربد و آن را از آثار علمی دور می‌کند و گاه برعکس. افزون بر این‌ها باید توجه داشت که جنبه شگفتی‌پردازی این آثار نیز در جای خود سودمند است و می‌توان از آن در بررسی‌های جامعه‌شناختی بهره جست. برای نمونه در اسطوره‌های ملل کهن با شمار انبوهی از داستان‌ها و شخصیت‌های شگفت‌آور رویاروی می‌شویم که

* نسخه‌شناس و پژوهشگر متون ادبی، مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب.



برگرفته از چاپ سنگی سال ۱۲۸۳ هـ. طهران است که به اهتمام حاجی محمدنصیر خوانساری منتشر شده بود. متن چاپ سبّوحی نیز عمدتاً بر پایه همان چاپ است؛ اگرچه در آنجا بدین نکته اشاره‌ای نشده است. اخیراً چاپ تازه‌ای از این ترجمه به کوشش آقایان یوسف بیگ‌باباپور و مسعود غلامیه راهی بازار شده است که در این جا قصد بررسی آن را داریم.

پیش از ورود به مطلب بایسته است یادآور شویم که در این چاپ از دو نسخه خطی استفاده شده و چون در بررسی کنونی، بدان نسخه‌ها ارجاع خواهیم داد لازم است به مشخصات این دو نسخه بپردازیم. یکی از دو دستنویس به شماره ۶۷۱۲ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. این نسخه تاریخ کتابت ندارد، اما در حدود سده نهم هجری کتابت شده است (ر.ک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۰، ص ۲۱۶). نسخه دارای افتادگی است چنان که در بخش نجومی، توصیف صورت‌های شمالی از آن حذف شده است. نسخه دیگر به نشانی Garrett no. 82G در کتابخانه دانشگاه پرینستون نگهداری می‌شود^۱. تاریخ کتابت این نسخه با عدد به صورت ۸۶۵ هـ. نوشته شده ولی گمان نویسنده این سطور بر آن است که این تاریخ مخدوش است و اگر بخواهیم از دیدگاه نسخه‌شناختی درباره آن داوری کنیم تاریخش به سده دهم هجری و حتی اندکی پس از آن باز خواهد گشت. به‌ویژه با توجه به نگاره‌های نسخه که از نگاره‌های سده نهم پیش‌رفته‌تر است و نستعلیق آن نیز نسبت به شیوه ابتدایی سده نهم پخته‌تر می‌نماید.

با نگرستن به فهرست‌های مشترک نسخه‌ها درمی‌یابیم که از این تحریر/ترجمه فارسی عجایب‌المخلوقات نسخه‌های فراوانی در کتابخانه‌های ایران و خارج ایران موجود است^۲، اما کوشندگان در مقدمه خود هیچ توضیحی درباره دلایل گزینش این دو نسخه ذکر نکرده‌اند.

نکته قابل توجه دیگر آن که کوشندگان در مقدمه خود (ص ۲۴) اشاره کرده‌اند که چاپ سبّوحی یک چاپ علمی نیست

و در چاپ تازه به‌ندرت از چاپ سبّوحی بهره برده‌اند؛ اما قرائنی در متن دیده می‌شود که نشان می‌دهد بخشی از ضبط‌های چاپ تازه نه بر اساس نسخه‌های مورد استفاده کوشندگان، بلکه بر پایه همان چاپ سبّوحی است. این موارد چندان است که گاهی این گمان را پدید می‌آورد که کوشندگان چاپ سبّوحی را حروف‌نگاری کرده و سپس نسخه‌های مورد استفاده خود را با آن مقابله کرده‌اند. این مقابله نیز با تساهل همراه بوده است، چرا که گاهی اختلافاتی گسترده میان متن چاپی و نسخه‌ها دیده می‌شود. برای نمونه در همان نخستین صفحه چاپ تازه (ص ۸۱ با احتساب مقدمه) چنین عبارتی درج شده است: «أما بعد، چنین گوید احقر العباد». این عبارت دقیقاً مطابق با چاپ سبّوحی است در حالی که در هر دو نسخه مورد استفاده کوشندگان چنین است: «أما بعد، همی گوید اصغر العباد».

باز در همان صفحه به این عبارت برمی‌خوریم: «الذی احشرته بالنبوة و آدم بین الماء و الطین». که مطابق چاپ سبّوحی است در حالی که در نسخه پرینستون به صورت «الذی اخترته للنبوة...» و در نسخه مجلس به صورت: «الذی اخترته البوه!» ضبط شده است و کوشندگان حتی اشاره‌ای به ضبط نسخه‌های خود نداشته‌اند. ضمن این که در این جا سخن از برگزیدن پیامبر^(ص) است و اگرچه ضبط «احشرته» می‌تواند معنی داشته باشد، اما ضبط «اخترته» مناسب‌تر بوده و در متن عربی چاپ ووستنفلد (ص ۳) نیز همین گونه است.

نیز در صفحه دوم آمده: «بعد از آن دیده به صورت او گشوده شود و از آن عجایب‌ها بیند...»؛ که مطابق چاپ سبّوحی است، اما در هر دو نسخه کوشندگان چنین است: «بعد ازین دیده بصیرت او^۳ گشوده شود از آن عجایب‌ها که بیند...». که همین هم درست است و در متن عربی (ص ۴) چنین ضبط شده: «فعدن ذلک تفتح له عین البصيرة و یری فی کل شیء من العجب». جالب توجه این جاست که نه تنها این گونه اختلافات

نسخه‌بدلی مطابق چاپ سبّوحی است بلکه اختلافات تحریری نیز مطابق آن چاپ است. برای نمونه در نخستین و دومین

۱. کوشندگان به نشانی نسخه در کتابخانه اشاره نکرده‌اند ولی نسخه بر روی پایگاه اینترنتی آن کتابخانه در دسترس بوده و مشخصاتش در همان جا درج شده است.

۲. استاد محمدتقی دانش‌پژوه در مقاله «داستان ترجمه دو تالیف قزوینی» به نسخه‌های مورخ ۸۲۴، ۸۴۰، ۸۶۵ و ۸۹۵ هـ. اشاره کرده‌اند. جالب توجه این که نسخه ۱۵۹۰۳ کتابخانه مجلس مورخ ۸۳۵ هـ. یکی از کهن‌ترین و بهترین نسخه‌های اثر در ایران است و با وجود دسترسی آسان به نسخه‌های مجلس، دانسته نیست که چرا مصححان در تصحیح خود از آن بهره نبرده‌اند.

۳. نسخه مجلس «او» ندارد.



صفحه متن، عبارتی بدین گونه یاد شده است:

و در این آیه تفکر کردمی که "افلا یتفکرون فی خلق السموات و الارض" و نفوس انسانی می خواهد ... این عبارات و به ویژه آیه ای که یاد شده درست برابر با چاپ سبوحی و چاپ سنگی ۱۲۸۳ هـ. طهران است در حالی که هر دو نسخه کوشندگان چنین است:

و در این آیه تفکر می کردم که "افلّم ینظروا الی السّماء فوفهم کیف بنیناها" تا آن جا که گفته است "رزقاً للعباد" [ق/ ۶ - ۱۱] و چون نفوس انسانی خواهد ...

در متن عربی ووستنفلد (ص ۳) نیز همان آیات مندرج در نسخه های کوشندگان درج شده است که هیچ توجه و اشارتی بدان نداشته اند. باز در چند سطر پایین تر آمده:

قوله تعالی "قل سیروا فی الارض فانظروا" غرض از این نظر تقلب حدقه نیست.

که آیات و متن، مطابق چاپ سبوحی و چاپ سنگی طهران است، اما آیه مورد نظر در نسخه های کوشندگان بدین گونه است:

قوله تعالی: "قل انظروا ماذا فی السموات و الارض" [یونس/ ۱۰۱] غرض از این نظر تقلب حدقه نیست.

در این عبارت جز آن که به آیه مندرج در نسخه ها هیچ اشاره ای نشده، واژه «تقلب» نیز نادرست می نماید و اگر چه نسخه مجلس آن را تأیید می کند، در نسخه پرینستون به صورت «تقلب حدقه» ضبط شده و در چاپ ووستنفلد (ص ۳) نیز چنین است: «و لیس المراد من النّظر، تقلب الحدقة».

گاهی حتی افتادگی های متن نیز با چاپ سبوحی مطابقت دارد. برای نمونه در همان صفحه دوم، عبارتی بدین گونه درج شده است:

مثل چنان بود که شخصی را ببیند که کسی را هلاک می کند به قصاصی و قصاص زجر کافه مردم است از مباشرت قتل و ... الخ.

این عبارت دارای افتادگی بوده و شکل کامل آن مطابق نسخه های مورد استفاده کوشندگان چنین است:

مَثَلُ آن چنان بود که شخصی را ببیند که دیگری هلاک می کند؛ اولاً بر وی منکر شوند، اما ثانیاً چون معلوم کنند که اگر هلاک کند، قصاص بُود و قصاص زجر کافه انام است از مباشرت قتل و ... الخ.

این ها مواردی از ضبط متن بر پایه چاپ سبوحی است که فقط از دو صفحه نخستین متن به دست می آید و مقدار آن در سراسر متن بیش از این هاست؛ و نشان می دهد ادعای مصححان که نوشته اند: «در مواردی به ندرت از نسخه چاپ سبوحی (۱۳۴۰ ش.) بهره برده ایم» چندان هم درست نیست. اینک گاه آن است تا به بررسی متن بپردازیم. این بررسی ها را در چند بخش ارائه خواهیم کرد.

ضبط نکردن اختلاف نسخه ها در چاپ تازه

چنان که آگاهان بر شیوه های تصحیح می دانند، ضبط نکردن همه اختلاف نسخه ها تنها با شرایط ویژه ای قابل پذیرش است. مثلاً آن گاه که مصحح از نسخه های متعدّد و سودمند بهره گرفته باشد و در آن صورت، برخی نسخه ها را که پر غلط هستند، فقط در برخی مواضع مشکوک به کار برد. همچنین در مواقعی که نسخه های متن دارای اختلافات تحریری باشد که در این صورت، ضبط همه اختلافات غیرممکن و نابایسته است. و نیز عدم درج غلط های قطعی و مسلّم نسخه ها که سودی بر آن ها مترتب نیست و این کار هم باید با رعایت شروط لازم صورت گیرد؛ و البته قدمت و اهمّیت متن و نسخه ها نیز همواره باید مورد توجه باشد.

این که در یک صدساله اخیر اصول و قواعدی از سوی فرنگیان و آگاهان ایرانی برای چاپ انتقادی متون به کار گرفته شده از این روی بوده است که تا جای ممکن از لغزش ها جلوگیری شود. ضبط اختلافات نسخه ها نیز از آن روی است که اگر لغزشی از سوی مصحح رخ داد، خوانندگان بتوانند با بررسی اختلافات به شکل درست دست یابند. در چاپ مورد گفت و گوی ما جز مواردی انگشت شمار و آن هم عمدتاً در آغاز متن، عملاً خبری از ضبط اختلافات نیست. این در حالی است که نسخه های عجایب المخلوقات دارای اختلافاتی فراوان و گاه مهم هستند.

به کار نرفتن تحریر عربی در تصحیح متن فارسی

یکی از قواعد بدیهی در چاپ متون، به کارگیری ترجمه ها، تلخیص ها، شروح، حواشی و کلام متونی است که بر پایه آن متن نگاشته شده است. در این میان، ترجمه های متن اهمّیت ویژه دارد؛ چرا که از روی متن زبان دوم می توان به آسانی به



بسیاری از تصحیفات و تحریفاتی که ممکن است در زبان نخست پیش آید پی برد و در تصحیح متن از آن‌ها بهره جست. بایستگی این بررسی‌ها در ترجمه‌هایی که احتمال دارد برگردان خود مؤلف باشد دوجندان است.

متأسفانه در چاپ تازه عجایب‌المخلوقات در این زمینه اهمال شده است. در مواردی که پیش از این یاد کردیم، و در موارد سپسین، به نمونه‌هایی از کاربرد تحریر عربی در تصحیح تحریر فارسی پرداخته‌ایم و در این جا به یادکرد جداگانه شواهد نیازی نیست.

غلط‌های چاپی

غلط‌های چاپی در چاپ تازه عجایب‌المخلوقات بیش از حد متعارف است و اگر بپذیریم که شماری از نادرستی‌های چاپ‌های پیشین در چاپ تازه تصحیح شده، اما نادرستی‌هایی نیز در همین چاپ راه یافته که آن را از تصحیحی قابل پذیرش دور ساخته است. برای نمونه در نخستین صفحه با این نادرستی‌ها رویاروی می‌شویم: «... اثنت علی نفسک بأفعالا [صحیح: یا فعلا] لما تشاء افض علینا انوار معرفتک [ص: معرفتک] و طهر نفوسنا عن کدورات معصیک [ص: معصیتک] ... و اصاب [ص: اصناف] المعادن و النباتات» یا در صفحه دوم و سوم متن آمده: «و بدان کوه رفت تا نماز گذارد [ص: گزارد]». نیز در صفحه سوم آمده: «شاه‌پور بن عثمان اضاعف الله [ص: ضاعف الله] جلاله و ادام ظله و اقباله ... تا مگر شکر بعضی از ایادی سابق و قضایا بهتری [ص: قضای بهری] از حقوق لاحق کرده شود». ضبط عبارات اخیر در متن چاپی از روی نسخه پرنستون بوده ولی شکل درست آن در نسخه ۶۷۱۲ مجلس و همچنین چاپ سبوحی (ص ۳) آمده است.

باز برای نمونه به عبارت زیر از پاراگراف نهایی متن در چاپ تازه (ص ۶۶۹) اشاره می‌کنیم که از روی نسخه ۶۷۱۲ مجلس چنین ضبط شده است:

و منها ما ذکر ابوریحان الخوارزمی: می‌گفت صاحب اصحاب هدیه‌ها فرستاد از بهر نوح بن منصور سامانی ... بخش آغازین این عبارت از نسخه پرنستون حذف شده است،

اما اگر کوشندگان به نسخه‌های دیگر این متن و نیز چاپ ووستنفلد (ص ۴۵۱) نگاهی می‌افکنند درمی‌یافتند که در این جا «صاحب اصحاب» نادرست بوده و شکل درست آن «صاحب اسپیحاب» است. جالب توجه این جاست که در چاپ سبوحی (ص ۴۶۰) این نام به صورت «صاحب سنجاب» ضبط شده که آن هم تحریفی از «اسپیحاب» است و این‌ها دو ضبط درست از نام شهری معروف در ماوراءالنهر است. باز دو سطر پایین‌تر از همان پاراگراف، عباراتی از روی نسخه پرنستون بدین گونه ضبط شده است:

ابوریحان گفت که در عهد کیانیان روباه طیار بودی و آن را مبارک شمردندی. ابوریحان گوید که بنده التماس کردم تا آن را حاضر آوردند و من آن را دیدم و تعجب کردم. و کتاب را ختم کردم.

این عبارت در نسخه ۶۷۱۲ مجلس چنین است:

ابوریحان گوید من شنیدم که در عهد کیانیان روباه طیار بودی و ایشان [آن] را مبارک شمردندی^۴. و بر لفظ "مبارک" کتاب را ختم کردم.

چنان که نویسنده این سطور در کتاب نسخه‌شناخت (صفری آق‌قلعه ۱۳۹۰: ۱۰۵-۱۰۸) یادآور شده است، به پایان بردن کتاب‌ها با واژه‌های خجسته رسمی کهن بوده است و عبارت: «و بر لفظ "مبارک" کتاب را ختم کردم» در عجایب‌المخلوقات یکی از شواهد این رسم کهن است که ما آن را از چاپ سبوحی در نسخه‌شناخت نیز نقل کردیم. حذف این عبارت از چاپ تازه موجب می‌شود تا چنین آگاهی ارزشمندی از دیده‌ها پنهان بماند. جالب توجه این جاست که کوشندگان حتی توجه نکرده‌اند که قرینه نادرستی و جعلی بودن ضبط نسخه پرنستون از خود عبارت به روشنی دریافته می‌شود چرا که در این جا از روباه طیار در «عهد کیانیان» سخن رفته و در دوره ابوریحان هنوز ماشین زمان اختراع نشده بوده است تا او به قرن‌ها پیش از روزگار خود سفر کند و بخواهد که روباه طیار را برایش حاضر آورند و از دیدنش متعجب شود. پیداست که یکی از کاتبان برای عجیب‌تر کردن موضوع، این عبارت را به متن افزوده و کوشندگان، بی توجه به نادرستی عبارت، آن را در چاپ خود درج کرده و شکل درست را که در نسخه دیگر

۴. بخش اخیر این عبارت در چاپ سبوحی (ص ۴۶۱) چنین است: «و آن را قوم، مبارک شمردندی»؛ که درست‌تر است.



داشتند حذف کرده‌اند.

یکی از بدیهیات در تصحیح متون آن است که هنگام تصحیح متنی که به دانشی ویژه اختصاص یافته، مصحح می‌باید با آن دانش آشنا باشد و یا با مراجعه به متون مرتبط به تصحیح متن بپردازد. این موضوع در عجایب‌المخلوقات کاملاً صادق است ولی کوشندگان با برخی از دانش‌های مندرج در متن آشنایی نداشته و کوشش چندانی برای دریافتن شکل صحیح مفاهیم و اصطلاحات به خرج نداده‌اند. برای نمونه در این جا به نادرستی‌هایی می‌پردازیم که درباره صورت‌های کواکب ثابت‌ه در بخش نجوم دیده می‌شود. موارد مورد نظر به ترتیب صفحات متن چایی درج می‌شود:

ص ۱۳۰: عبارتی بدین گونه آمده: «کواکب الحواء الحیة: صورت زنی است ایستاده...». این بخش در واقع مربوط به دو صورت فلکی است که به دلیل متداخل بودن، معمولاً به صورت یک‌جا و به نام «حوّاء و حیّه» از آن‌ها گفت‌وگو می‌شود و نه «حواء الحیة». دیگر آن که مطابق توصیفات متون، صورت حوّاء مربوط به یک "مرد" مارافسای است نه یک "زن" (نک: طوسی، ترجمه صورالکواکب، ص ۸۷). جالب توجه این جاست که عبارت یادشده از متن چایی، در نسخه پرنستون به درستی ضبط شده است: «کوکبة الحوا و الحیة: صورت مردیست...». این بخش از افتادگی‌های نسخه مجلس است اما از آن جا که عبارت یادشده در چاپ سبّوحی (ص ۳۴) نیز درست است، دانسته نیست که عبارت «صورت زنی است...» را کوشندگان از کجا آورده‌اند. در متن عربی ووستنفلد (ص ۳۳) نیز آمده: «أما الحوّاء فصورة رجل قايم قابض بیدیه...».

ص ۱۳۱: «دو ستاره است در پی سر طایر باشد». در این جا «نسر طایر» درست است که در برابر «نسر واقع» نام‌گذاری شده است.

ص ۱۳۱: پس از توصیف صورت **دلفین** آمده: «کواکب عمود الصلیب: و طایفه‌ای آن را مقدمه الفرس گویند. چهار کوكب است از پس دلفین بود...». باید توجه داشت که پس از صورت دلفین، صورت "فرس اول" (قطعة الفرس) قرار دارد و آنچه به عنوان "عمود الصلیب" (ذنب الدلفین) شناخته می‌شود

نخستین کوكب دلفین است (نک: طوسی، ترجمه صورالکواکب، صص ۱۰۶-۱۰۷). جالب این جاست که این بخش در نسخه پرنستون درست ضبط شده است: «کواکب قطعة الفرس: و طایفه‌ای مقدمه الفرس گویند... الخ». اشتباه کوشندگان گویا از چاپ سبّوحی گرفته شده چرا که در آن جا آمده است: «عمود الصلیبة: و طایفه آن را... الخ». این بخش از افتادگی‌های نسخه مجلس است.

ص ۱۳۲: در عبارات: «کواکب ذوالسلسله: المرأة المسلسله: کواکب او بیست و سه کوكب است در صورت بیرون از آن کوكب بیشتر که بر سر اوست، آن داخل حساب فرس است». شکل درست این عبارات در نسخه پرنستون چنین است: «کوکبة المرأة المسلسله: کواکب او بیست و سه کوكب است در صورت، بیرون از آن کوكب نیر که بر سر اوست، آن داخل حساب فرس است». در این جا تعبیر "بیرون از" به معنای "غیر از" و "جز" است. این عبارت در چاپ سبّوحی (ص ۳۵) نیز درست ضبط شده است. شکل درست عبارت از چاپ عربی ووستنفلد (ص ۳۴) نیز تأییدی بر آن است: «کوکبة المرأة المسلسله: کواکبها ثلثة و عشرون من الصورة سوى النیر الذی علی الرأس فانه علی سره الفرس». این عبارت از ساقطات نسخه ۶۷۱۲ مجلس است.

ص ۱۳۳: در عبارت: «... و این شکل را بر کوه خراسان چنین یافته‌اند». این عبارت در چاپ سبّوحی موجود نیست اما در نسخه ۶۷۱۲ مجلس چنین است: «و این شکل بر کره حرانیان^۵ چنین یافته‌اند» که درست هم هست. گویا این عبارت از نسخه پرنستون با تصرفاتی نابجا نقل شده که در اصل چنین بوده است: «... و این شکل را بر کره خراسا چنین یافته‌اند». یادآور شویم که این عبارت را مؤلف از نوشته عبدالرحمن صوفی رازی گرفته است و ما آن را از ترجمه صورالکواکب (طوسی، ص ۱۳۶) نقل می‌کنیم: «و من بر چند کره از عمل حرانیان دیده‌ام که کواکب الیه یعنی دنبه را بطین نوشته‌اند».

ص ۱۳۴: عبارتی بدین گونه آمده: «... و آن کوكب را که بر قدم اوست میسان گویند». این عبارت در نسخه پرنستون

۵. نون اول و یا بی نقطه ضبط شده که در نسخه‌ها طبیعی است.

۶. این عبارت در نسخه ۱۵۹۰۳ مجلس نیز چنین است: «و این شکل بر کره حرانیان چنین یافته‌اند». این عبارت در چاپ عربی ووستنفلد (ص ۳۵) نیز نادرست ضبط شده است: «... و قد وجد هكذا علی کرات من عمل الحرّانین!» که باید «الحرّانین» باشد.



به درستی ضبط شده است: «آن کوکب را که بر قدم اوست بختی گویند»؛ و در متن عربی ووستنفلد (ص ۳۶) نیز همین گونه است؛ اگرچه باید توجه داشت که بختی بر سه کوکب اطلاق می شود (نک: طوسی، ترجمه صورالکواکب، ص ۱۵۶). آنچه مصححان به صورت "ميسان" آورده اند هم در واقع تحریفی از "منسیان" است که شامل دو ستاره در همان صورت توأمین است ولی با ضبط متن ما ارتباطی ندارد.

– ص ۱۳۶: عبارتی بدین گونه آمده: «و آن دو کوکب روشن که بر ذنب است محبین خوانند». آنچه در این جا "محبین" ضبط شده در واقع "محنین" (سوگندشکنندگان) است و بیرونی در التّفهیم (ص ۱۰۵) وجه نام گذاری این دو کوکب را توضیح داده است.

– ص ۱۳۸: در این عبارت: «و آن که بر شعبه جنوبی است از دنبال او صفدع الثانی (ص: صفدع الثانی) گویند. اما صفدع الاول (ص: صفدع اول) خارج از صورت است». بیرونی در التّفهیم (ص ۱۰۵) معنی دو چغز را در برابر "صفدعین" آورده که ضبط ما را تأیید می کند: «و آن یکی که بر دنبال اوست با آن یکی که بر دهان حوت جنوبی است هر دو [را] صفدعین خوانند ای دو چغز».

– ص ۱۳۸: عبارتی بدین گونه آمده: «میان این ظلیم و آن ظلیم که بر فم حوت است کوکب بسیار است آن را وبال خوانند یعنی فراخ نعایم». که در این جا "وبال" نادرست و شکل صحیحش "ریال" است (نک: طوسی، ترجمه صورالکواکب، ص ۲۵۱).

– ص ۱۴۴: در بخش توصیف منازل قمر آمده: «چون یکی از این منازل غروب کند و رقیب او با صبح برآید، او را نور خوانند». که در این جا «نور» نادرست و «نوء» درست است. چنان که گفتیم شمار نادرستی های این چاپ فراوان است. برای نمونه به موارد دیگری اشاره می کنیم:

– ص ۲۵۹ آمده: «زمین در میانه افلاک و میانه فلک اسفل باشد و جرم او کروی مقرن است به جبال و وهاد و و غائر بر مانع نبود، همچون سیبی بود که دانه ها در او نشانی؛ و اگر این تضارس نبودی ... الخ».

این عبارت در نسخه پرنستون چنین است:

زمین در میانه افلاکست و میانه فلک اسفل باشد و جرم او کروی مضرّس است به جبال [و] وهاد؛ و بارز و غایر، مانع کُری نباشد. همچون سیبی بود که دانه های جو درو

نشانی و اگر این تضاریس نبودی ... الخ.

چنان که می بینیم در این جا جز اختلافات نسخه بدلی، مواردی از افتادگی و نادرستی هست. واژه «مضرّس» (دارای ناهمواری) که شکل دیگر آن در دنباله عبارت به صورت «تضاریس» دیده می شود قرینه خوبی برای تشخیص شکل درست است.

– ص ۲۶۰: در این عبارت: «مهندسان گویند که اگر روی زمین را حفر کنی در او هم (ص: در وهم) به جانب دیگر رسد».

– ص ۲۶۳: در این عبارت: «اگر جبال نبود روی زمین اطلس [ص: املس] بودی و مستوی آب دریاها بدو محیط شدی». درستی ضبط "املس" به قرینه "مستوی" تأیید می شود و در نسخه پرنستون نیز درست ضبط شده است. این واژه در صفحات ۱۵۱ و ۲۶۴ این چاپ نیز به صورت "اطلس" ضبط شده و جالب آن که ضبط این واژه در چاپ سبّوحی (صص ۱۵۱، ۵۵۱) درست است.

– ص ۴۹۷: در این عبارت: «و عجیب ترین این صنعت عمل نقش بند آن [ص: نقش بندان] است که ناسج را از آن هیچ خبر نبود».

– ص ۴۹۹: در این عبارت: «مدینه ای است در جانب مغرب که آن جا بریه ریگ است، سود [ص: سور= بارو] او از مس، گرد بر گرد او چهل فرسخ... هر که بر بالای سود [ص: سور] آن مدینه رود خنده بر وی غالب شود... اگر کسی بر بالای سود [ص: سور] او برود جنّ او را بریاید».

– ص ۵۰۱: در این عبارت: «باری – عزّ و جلّ – او را صنعت ذرع [ص: درع] بیاموخت». جالب این جاست که دو سطر بالاتر آمده: «از آن جمله صنعت زره است که داوود – علیه السلام – را فرشته الهام کرد».

استخراج نکردن نمایه ها

نمایه در واقع کلید دستیابی به مندرجات متن است و از این روی در تصحیح علمی و دقیق تلاش می شود که با توجه به موضوع و اهمیت متن نمایه های گوناگون تنظیم شود. عجایب المخلوقات در شمار آثاری است که در آن ها از دانش های گوناگونی گفت و گو شده و در نتیجه، انبوهی از واژه ها، اصطلاحات و اعلام در آن موجود است که آگاهی از آن ها برای پژوهشگران ضروری است. چاپ سبّوحی با آن که چاپی علمی نیست دست کم دو نمایه اشخاص و اماکن در



آن دیده می‌شود. این دو نمایه از عمومی‌ترین نمایه‌ها هستند که در ساده‌ترین متون نیز باید به استخراج آن‌ها پرداخت. با این حال در چاپ حاضر خبری از نمایه نیست و اگر کسی به دنبال اعلام یا اصطلاحاتی در این متن باشد باید با رمل و اصطراب به مطلوبش دست یابد. برای نمونه می‌دانیم که در عجایب‌المخلوقات دو بیت از نظامی گنجوی با تصریح به نام سراینده ضبط شده (ص ۸۶۲ چاپ تازه) و اگر اثبات شود که تحریر فارسی نیز نگاشته قزوینی است، آن‌گاه این دو بیت را می‌توان از کهن‌ترین یادکردهای شعر نظامی در متون دانست.^۷ با این حال اگر کسی با آگاهی قبلی از این موضوع بخواهد آن شعر، و یا نام نظامی، را در متن جست‌وجو کند ناگزیر خواهد بود که همه کتاب را برای یافتنش بگردد.

کاربرد نادرست نشانه‌های ویرایشی

کاربرد نشانه‌های ویرایشی می‌تواند خواننده را در بهتر خواندن متن یاری دهد؛ اما اگر این کار درست انجام نشده باشد مبلغی بر رنج خواننده خواهد افزود. کاربرد برخی موارد مانند علامت تشدید و همچنین رعایت فواصل میان حروف و کلمات نیز همین حکم را دارد. در چاپ حاضر گاهی متن را باید مانند نسخه خطی خواند و همه نقطه‌گذاری‌ها و نشانه‌های ویرایشی و فواصل را خواننده باید خود در متن اعمال کند. برای نمونه در دومین صفحه چاپ تازه با این عبارت رویاروی می‌شویم:

و هر که در آن نظر کند، بیش از تحصیل استعداد آن الازیع و شبهه حاصل نشود.

که باید چنین خوانده شود:

و هر که در آن نظر کند پیش از تحصیل استعداد آن، الازیع و شبهه حاصل نشود.

از موارد شگفتی‌آور در چاپ تازه عجایب‌المخلوقات بخش مربوط به عروض متن است. در این بخش کوشندگان چون نتوانسته‌اند شواهد اشعار عربی را تصحیح کنند، شواهدی دیگر را از منابع دیگر جایگزین کرده و مطلب را در پاورقی چنین توضیح داده‌اند:

با وجود کوشش بسیار برخی از ابیات نمونه و صورت بحور و اوزان آن که به غلط ضبط شده بود پیدا نشد. لذا به قیاس منابع دیگر ابیات نمونه جایگزین و اصلاح شد؛ (نک: میزان الذهب فی صناعة شعر العرب، ص ۱۰۵ - ۱۰۸؛ القرآن و العقیده، السید مسلم الحلی، ص ۱۹۹).

آنچه در این جا یاد شد شامل بخشی از کاستی‌هایی است که در چاپ تازه عجایب‌المخلوقات دیده می‌شود. با توجه به ارزشمندی‌های ویژه‌ای که این متن دارد، جای خالی تصحیح علمی از آن احساس می‌شود و امیدواریم که در تحقیق سپسین این متن شاهد چاپی مطلوب از آن باشیم.

کتابنامه:

- بیرونی خوارزمی، ابوریحان محمد بن احمد، ۱۳۵۳ ش، التفهیم لاوائل صناعة التتجیم، به تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی.
- حسینی اشکوری، سید جعفر، ۱۳۸۹ ش، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ج ۲۰)، تهران: انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، ۱۳۵۹ ش، «داستان ترجمه دو تألیف قزوینی»، آینده، س ۶، ش ۵ و ۶ [مرداد - شهریور]، صص ۴۱۹ - ۴۲۶.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۳۵۱ ش، [ترجمه] صورالکواکب عبدالرحمن صوفی، به تصحیح سید معزالدین مهدوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- القزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، ۱۸۴۹ م، عجایب‌المخلوقات و غرایب الموجودات، تحقیق فردیناند ووستنفلد، گوتینگن.
- کمونی قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، ۱۲۸۳ هـ، عجایب‌المخلوقات، ترجمه ناشناس، به اهتمام حاجی محمد نصیر خوانساری، طهران.
- صفری آق‌قلعه، علی، ۱۳۹۰ ش، نسخه‌شناخت، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

■

۷. به جای این شعر در تحریر عربی به نقل اشعاری تازی پرداخته شده است. همین‌جا یادآور شویم که ابیاتی از سده هشتم - مانند شعر حافظ شیرازی - در تحریر فارسی موجود است که عجالتاً نمی‌دانیم حاصل تصرف کاتبان است یا این که باید آن را قرینه‌ای گرفت بر آن که این ترجمه پس از سده هشتم فراهم آمده است.

